مکث

گزارش یك جشن

افشین علیار
منتقد سینما

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به پایان رسید و این آغاز سال جدید سینمای ایران است؛ سالی که باید بازخورد آثار جشنواره را در آن ببینیم. امسال ۳۰ فیلم در بخش‌های مختلف به سودای سیمرغ راه پیدا کردند، اما نکته حائز اهمیت این است که سطح کیفی آثاری که نتوانستند در جشنواره رقابتی امسال حضور داشته باشند در چه سطحی بوده‌اند.

متاسفانه جشنواره امسال به‌رغم حضور آثاری از فیلمسازان مطرح اما جشنواره‌ای متوسط بود. غیر از دو یا سه فیلم اساسا فیلمسازان به عنصر مهمی مثل مخاطب فکر نکرده بودند. اگرچه سال گذشته در جشنواره سی و هفتم چند اثر مهم مثل متری شش و نیم، شبی که ماه کامل شد یا سرخپوست به نمایش درآمد و در اکران عمومی هم نسبتا درخشیدند، اما در جشنواره سی و هشتم با یك رکود نسبی مواجه بودیم. سوژه‌های تکراری و تمرکز فیلمسازان در به وجودآوری موضوعات ملتهب که اساسا این موضوعات اجتماعی هم نبودند.

اگرچه زمانی فیلمسازان سعی کردند درباره قشر متوسط جامعه فیلم بسازند، اما امسال به طور کل جایگاه اجتماعی در هر سطح گم شده است. فیلم‌ها تبدیل به حدیث نفس شده‌اند و برای همین مخاطب در تعلیق یا ناکامی می‌ماند. بحث مهمی که باید در سینمای ایران آسیب‌شناسی کلی شود این است که فیلمسازان ما در تولید مضمون در یك تنگنای التهاب‌آور گیر کرده‌اند و امید و امیدواری از فیلم‌ها حذف شده است. واقعا چند اثر اجتماعی در این جشنواره حضور داشت که می‌توانست برای مخاطب انگیزه ایجاد کند؟ کارگردانان جوان در حال تجربه‌گرایی هستند و می‌خواهند با قصه‌های کم جان به معضل اجتماعی برسند، اما در این آثار آسیب‌شناسی دیده نمی‌شود. فیلمساز فقط می‌تواند طرح موضوع کند، اما به هیچ وجه در پایان به نتیجه‌ای نمی‌رسد. مثل فیلم‌هایی چون سه کام حبس، عامه‌پسند، دوزیست، مغز استخوان یا کشتارگاه ایده‌ها همه می‌توانند در جایگاه خود مهم یا بکر باشند، اما نوع روایت کردن و نتیجه‌گیری مهم‌تر از ایده است. فیلم دوزیست می‌توانست با یك نگرش روان‌شناسانه تك‌تك شخصیت‌هایش را تحلیل کند، اما فیلمسازش به کلیشه‌های مرسوم بسنده می‌کند.

از سویی دیگر امسال شاهد چند فیلم تجربی بودیم که قالب این فیلم‌ها تجربه‌گرایی است. سکانس‌های طولانی یا تقلید ساختاری از فیلمسازان مهم جهان قاعدتا به مخاطب محدود بخش هنر و تجربه ختم می‌شود. اگر فیلمی مثل شنای پروانه می‌تواند مخاطبی کسب کند. فقط یك دلیل مهم دارد که فیلمساز جوانش مخاطب‌شناس است و می‌تواند انگیزه‌های دیداری و نگرشی مخاطبش را مورد سنجش قرار دهد.

متاسفانه هر سال فیلم‌های جشنواره‌ای در آسیب‌شناسی اجتماعی نمی‌توانند رو به جلو حرکت کنند. اعتیاد و فلاکت و بدبختی یا قمار از یك سو و نمایش دادن روابط عاطفی غلط یا استفاده بیش ازحد سیگار یا مشروبات الکلی باعث شده این فیلم‌های اجتماعی تبدیل به سیاه‌نمایی شوند. البته در کنار نکاتی که گفته شد می‌توانیم به فیلم آبادان یازده ۶۰ اشاره کنیم اثری درباره جنگ که یك واقعیت را روایت می‌کند؛ اثری که در قالب خودش می‌تواند به شدت تاثیرگذار باشد. یا فیلمی مثل خروج که قهرمانش برای وصول مطالبات خود از هیچ چیز کوتاه نمی‌آید. فیلم شلخته‌ای مثل تومان که درباره قمار و شرط‌بندی است چرا باید در جشنواره فجر نمایش داده شود و کارگردان و بازیگرش را نامزد کنند؟

در شکل کلی آثار سینمایی ایران در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر که ربط مهمی با ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد، نمی‌توانند برای سال جدید نکات مثبتی به همراه داشته باشند. زمانی که قصه و داستان‌گویی از سینما حذف شود و همه چیز در ساختار شکل بگیرد نتیجه‌اش می‌شود اکران‌های ناموفق. در همین سال جاری فیلم‌های زیادی از جشنواره گذشته اکران شدند که فروش اندك آنها حتی با شکست فیلم مواجه شد. قطعا سازمان سینمایی و وزارت ارشاد باید نظارت بیشتری در ساخت فیلم‌ها داشته باشند.

موفقیت «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند»

فیلم سینمایی زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند ساخته امیر اطهر سهیلی، جایزه بهترین فیلم بلند داستانی جشنواره مستقل کالیفرنیا را کسب کرد. به گزارش جام جم، زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند، اولین فیلم سینمایی امیراطهر سهیلی که این روزها در گیرودار حضور در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی است، در آخرین حضورش توانست جایزه بهترین فیلم بلند داستانی جشنواره مستقل کالیفرنیا را دریافت کند. این جشنواره در فهرست صد جشنواره برتر سینمایی دنیا قرار دارد و فوریه هر سال در آمریکا برگزار می‌شود. در بیانیه هیات داوران جشنواره، دلیل انتخاب این فیلم به عنوان بهترین فیلم جشنواره را خلاقیت در روایت داستان متفاوتش اعلام کرده‌اند. در خلاصه داستان این فیلم که لعیا زنگنه به عنوان تنها بازیگر فیلم در آن نقش آفرینی می‌کند، آمده است: «هزاران سال قبل یونس شك می‌کند، می‌لغزد و آنجا که باید داستانش در اوج تمام شود طعمه ماهی می‌گردد و شکم ماهی آغاز داستان یونس می‌شود و اکنون هزاران سال بعد ژاله شك می‌کند، می‌لغزد و...»

علیار:
در شکل کلی آثار سینمایی ایران در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر که ربط مهمی با ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد، نمی‌توانند برای سال جدید نکات مثبتی به همراه داشته باشند

پس از

در بررسی فرمی و محتوایی فیلم‌های جشنوار

علی رستگار
ساناز قنبری
گروه سینما

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر با همه فراز و نشیب‌ها و ماجراهای ریز و درشتش، تمام شد و به تاریخ پیوست، اما دست‌کم چند روزی طول می‌کشد تا هیاهوها و حرف و حدیث‌هایش فروکش کند، هرچند برخی حواشی به وجود آمده در این رویداد بعید است که از حافظه سینمایی مردم، اهالی رسانه و سینما پاك شود. ما اینجا و در حد بضاعت صفحات، سراغ برخی نکته‌های قابل اشاره جشنواره و البته بیشتر سراغ خود فیلم‌ها رفتیم تا ببینیم اوضاع مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران از جنبه‌های مختلف از چه قرار بود. به ضرورت به بعضی موارد جالب اما جامانده نیز در روزهای پیش رو خواهیم پرداخت.

از صفر تا صد

مشارکت بالای مردمی

باوجود برخی مخالفت‌ها و انصراف‌ها و تحریم‌ها، با استقبال مردم از پیش فروش بلیت‌های جشنواره فیلم فجر، همه چیز حکایت از شکوه مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران داشت. بخش عمده‌ای از بلیت‌ها در ساعات ابتدایی فروش آنلاین، فروخته شد و مسؤولان جشنواره را به صرافت اختصاص سالن‌ها و سئانس‌های بیشتری به پیش فروش بلیت‌ها انداخت. این اقبال فوق‌العاده در زمان برگزاری جشنواره در سینماهای مردمی هم در تهران و هم در شهرهای مختلف کشور ادامه داشت و شاهد حضور پرشور مردم برای تماشای فیلم‌ها بودیم.

انصراف‌ها و باقی ماجراها

از وقتی برخی خارج نشین‌های بیرون گود ایستاده، فرمان «لنگش کن» سر دادند، بعضی چهره‌های سینمایی هم در داخل وارد این بازی شدند و سوار بر موج شکل گرفته از جشنواره فیلم فجر انصراف دادند و آن را تحریم کردند. البته در این میان بودند افرادی که با باور و صرفا از روی همراهی با مردم داغدیده و به احترام آنها از حضور در این رویداد کناره گرفتند، بدون این‌که بحث سیاسی و جناحی در کار باشد. مسعود کیمیایی، فیلمساز لوطی و اهل دل سینما هم که فیلمش خون شد در بخش مسابقه حضور داشت، ترجیح داد که در جشنواره امسال نباشد، اما فردای روز انصراف کیمیایی، جواد نوروزبیگی، تهیه‌کننده فیلم موضع دیگری گرفت و از حضور فیلم خون شد در جشنواره خبر داد. اگرچه کشمکش‌های بحث انصراف‌ها، کم و بیش در روزهای بعد هم ادامه داشت و از جمله حرف‌های شهاب حسینی که بر لزوم حفظ وحدت مردم تاکید کرد و اقداماتی نظیر انصراف از جشنواره و تحریم آن را تفرقه‌افکن دانست، اما آنچه در کلیت مهم و برجسته به نظر می‌رسید، اقبال مردمی، سینمایی و رسانه‌ای به سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر بود.

بدون افتتاحیه

جشنواره فیلم فجر امسال در اقدامی احتمالا بی‌سابقه، بدون برگزاری مراسم افتتاحیه شروع شد. این تصمیم دبیر جشنواره به احترام حوادث و رخدادهای ناخوشایند اخیر انجام شد و کمك‌رسانی به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان در دستور کار قرار گرفت. هرچند به نظر می‌رسید، می‌شد با به‌جا آوردن رسم هرساله و دیرپا، مراسم افتتاحیه‌ای اتفاقا مختصر و مفید و همدلانه و مردمی برگزار کرد و یاد شهدای مقاومت و جانباختگان حادثه هواپیما و... را هم گرامی داشت.

تندیس سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

تندیس نوظهور امسال جشنواره فیلم فجر، جایزه ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود که در نهایت به فیلم «آبادان یازده ۶۰» ساخته مهرداد خوشبخت رسید. این فیلم که به موضوع مقاومت مردمی آبادان در اوایل جنگ می‌پردازد، پیوندی مضمونی با رسالت همیشگی حاج قاسم و یارانش از گذشته تا امروز دارد و شایسته دریافت این تندیس ویژه بود. البته به دلیل کمبود محسوس فیلم‌هایی در زمینه سینمای جنگ و دفاع مقدس و مقاومت در جشنواره امسال، گزینه‌های چندانی هم برای مقایسه و رقابت میان آثار در این بخش وجود نداشت و با توجه به اهمیت این بخش و این تندیس، انتظار می‌رود در سال‌های آینده، فیلم‌های مهم و باکیفیتی با موضوع مقاومت در جشنواره حاضر باشند تا این تندیس، به جز وجهه احترامی و ادای دینی به شخصیت شهید سلیمانی به عنوان سردار مقاومت، از جنبه رقابتی و سینمایی هم خالی نباشد.

بخشی از پوستر فیلم «آبادان یازده ۶۰»

کمی یاد بگیریم!

انصافا بعضی اوقات مرغ همسایه غاز است، می‌گویید نه؟ همین جشن اسکار ۲۰۲۰ را با همین اختتامیه جشنواره فیلم فجر خودمان مقایسه کنید تا ببینید در جذابیت و کیفیت برگزاری مراسم، حالا حالاها باید بدویم تا به استانداردهای لازم برسیم. هرچند به طور طبیعی و در احترام به حوادث اخیر کشور، انتظار جشنی سرخوشانه را نداشتیم، اما می‌شد اختتامیه‌ای شسته‌رفته و منظم و به‌یادماندنی برگزار کرد. در عوض انتخاب نامناسب مجری، طولانی شدن مراسم، مشخص نبودن میزان سخنرانی برندگان سیمرغ و سخنرانان دیگر و... باعث شد با پایانی شلخته و کسالت‌بار طرف باشیم. یکی از نقدها به سخنرانی طولانی شهردار تهران، حامی مالی جشنواره بود. به‌جز این باید به بازار سیاه بلیت مراسم اختتامیه و حضور افراد غیرمرتبط با سینما در اختتامیه اشاره کرد. حتی برخی باوجود در دست داشتن بلیت مراسم، پشت درهای بسته ماندند.

همچنان استاد اینجا باید از علی نصیریان هم یاد کنیم که گرچه امسال مثل سال قبل (مسخره‌باز) برنده سیمرغ بازیگری نشد، اما با بازی یك‌سر متفاوتش در خورشید، قابل اشاره و شایسته تمجید است

نگاهی به عملکرد هیات داوران جشنواره فیلم فجر از متن تا حاشیه

ماجرای ۹ صندلی خالی

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر هم به پایان رسید، برگزیدگان امسال هم از کانال هیات داوران عبور کردند و سیمرغ‌ها را گرفتند. بازار حرف و حدیث مثل همیشه داغ است و به هیات داوران و مدیریت «داوری‌ها» انتقادهایی وارد است. هر چند این شرایط تا حدی عادی بوده و اعتراض به داوری‌ها اتفاقی همیشگی است، اما نگاهی می‌اندازیم به حاشیه‌هایی که امسال گریبان هیات داوران را گرفته است. حاشیه‌هایی که ممکن است برخی از آنها نکات بجا و درستی را مطرح کنند و برخی دیگر هم نه. ما سعی می‌کنیم تمام مثبت و منفی‌های داوری امسال را کنار هم ببینیم و بررسی کنیم.

خوشبختانه حواس داوران جشنواره سی و هشتم فجر به فیلم‌های بی‌حاشیه‌ای مثل «تومان» و «پوست» هم بود. حتی کمتر کسی باور می‌کرد که بازی درخشان میر سعید مولویان و مجتبی پیرزاده در «تومان» از سوی داوران دیده شود، اما این اتفاق افتاد.

ظاهرا چهره‌هایی که جشنواره امسال را تحریم کردند روی نامزدی‌های فیلم‌هایشان هم اثرگذار بودند. قطعا «خون شد» به کارگردانی مسعود کیمیایی بهتر از فیلم‌های قبلی‌اش در چند سال اخیر («مترو پل» و «قاتل اهلی») بود، اما به غیر از دو بخش چهره‌پردازی و بهترین نقش مکمل زن در هیچ رشته‌ای نامزد دریافت سیمرغ نشد.

پیمان معادی قبل از جشنواره گفته بود که سیاه‌پوش است، جشن نمی‌گیرد و به جشنواره نمی‌آید، اما در نشست خبری فیلم «درخت گردو» به طور مستقیم و با تلفن همراه با خبرنگاران گفت‌وگو کرد و در نهایت توسط هیات داوران به عنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد انتخاب شد! اما از آنجا که در سالن اختتامیه حضور نداشت محمدحسین مهدویان و بازیگر خردسال فیلم «درخت گردو» جایزه اش را به نیابت از او گرفتند و خودش هم با ارسال پیامی ویدئویی مراسم اختتامیه را همراهی کرد. هر چند قبل از برگزاری اختتامیه هم به نظر می‌رسید معادی تلویحا انصرافش را پس گرفته

چرا داوران باید در رویداد فجر، تحریمی‌ها را تحریم اهدا کرده و یا در داوری‌ها لحاظ کنند. خلاصه ماجرا هم نفهمیدیم این وسط فهمیدید چه خبر است

نمی‌توان از کنار مح راحتی عبور کرد. هیات کارگردانی را به این کارگ اهدا کرد و مهدویان ج داغدیده سال ۹۸ تقد مهدویان هم از انتقادات در فیلمش رفته سراغ و اما ردی از صدام به عن حال و هوای آن سال‌ها آن را تحت‌الشعاع قرار د دیگر هم انتقادشان این ساخت لاتاری و رد خو برای ساخت فیلمی که خالی است، سیمرغ می‌گ

در اختتامیه جشنوار «روز صفر» خالی بود؛ آ

دفاع از عنوان قهرمانی

اگر اهل و مخاطب ورزش باشید، حتما عبارت «دفاع از عنوان قهرمانی» را شنیده‌اید، امسال تنها یك نفر در سینما و در جشنواره فیلم فجر توانست این کار را انجام دهد: کیوان مقدم که در بخش طراحی صحنه، برای فیلم خورشید برنده سیمرغ شد؛ کاری که سال قبل هم با فیلم غلامرضا تختی موفق به انجام آن شده بود. همه آن تونلی که در خورشید می‌بینید، محصول هنر و زحمت کیوان مقدم و همکارانش در بخش صحنه است.

نیما جاویدی و محمد کارت هم از جمله چهره‌هایی هستند که به نوعی دیگر موفقیت خود در جشنواره دوره قبل را امسال هم تکرار کردند؛ جاویدی که سال قبل برای ساخت سرخپوست، جایزه ویژه هیات داوران را دریافت کرد، امسال هم (با مشارکت مجید مجیدی) سیمرغ فیلمنامه را برای خورشید دریافت کرد. محمد کارت هم سال قبل با فیلم بچه‌خور، برنده بهترین فیلم کوتاه شد و امسال هم اولین فیلم سینمایی‌اش با دریافت پنج سیمرغ در بخش‌های مختلف (از جمله فیلم مردمی)، یکی از رکورددارن جشنواره بود. اما بازنده‌های امسال نسبت به سال قبل، هوتن شکیبا و الناز شاکردوست هستند که سال گذشته برای بازی در شبی که ماه کامل شد، سیمرغ‌های نقش اصلی مرد و زن را گرفتند، اما امسال سطح نقش و کیفیت بازی‌هایشان نشانی از دوره قبلی نداشت و شکیبا در عامه‌پسند و شاکردوست در من می‌ترسم، با وجود تلاش‌های بازیگران، نتیجه‌ای فراتر از معمولی نداشت، حتی اگر بازی بی‌ویژگی شاکردوست، داوران را ذوق‌زده کرده و او نامزد سیمرغ بهترین بازیگر زن شده باشد.

نقش کمرنگ زنان

بدیهی است زنان در خانواده و جامعه نقش کلیدی دارند و سینما موظف است این جایگاه را در سینمای ایران بهتر و بیشتر به تصویر بکشد. امسال هم در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر حضور فیلم‌هایی با محوریت زنان دیده شد و از ۲۲ فیلمی که در بخش مسابقه این دوره از جشنواره حضور پیدا کردند، قهرمان حداقل شش فیلم یك زن بود.

این رقم البته، نشان دهنده این نیست که در این فیلم‌ها به درستی به ابعاد مختلف یك زن اشاره شده و هنوز هم به زعم نگارنده راه زیادی مانده تا به فیلم‌های پخته و کاملی با محوریت زنان در سینما برسیم، اما به هر حال این فیلم‌ها نشان‌دهنده آن است که سینماگران به نقش زنان در جامعه توجه نشان می‌دهند و حالا باید دید این فیلمسازی با محوریت زنان می‌تواند در جامعه هم اثرگذار باشد!

در ادامه، مرور کوتاهی داریم بر آثاری که در این دوره از جشنواره فیلم فجر به نوعی زنان را در محوریت قصه خود قرار داده‌اند.

«سه کام حبس» فیلمی در مذمت اعتیاد و مواد مخدر است که پرینا ایزدیار در نقش نسیم به شایستگی تلاش می‌کند یك تنه بار اصلی زندگی‌اش را به دوش بکشد.

در «قصیده گاو سفید» مریم مقدم در نقش